

باز هم صدای پای دیکتاتور بگوشش میرسد ...



شاخص میهن پرستی و فضیلت
۷۴

هفته نامه

پرخاش

تاسیس ۱۳۲۵

شماره سوم دوره پیروزی تکشماره ده-ریال

۲۲ Farvardin April

برای خارج از کشور ۲۵ پانس

چهارشنبه بیست و دوم فروردین ۱۳۵۸

برابر با سیزدهم جمادی الاول ۱۳۹۹ مطابق با یازدهم مارس ۱۹۷۹

ایمانی یا
ایرانی
عامل
ناپیدای
گرانی
در صفحه ۲

نمونه سواد و دستخط فاضلانه

اعلیحضرت قدر

قدرت رضاشاه

در صفحه ۳

درباره نامزد ریاست جمهوری

در صفحه ۸

دو ماه از انقلاب ایران میگذرد ولی با کمال تأسف برخلاف انتظار اوضاع کشور بصورتیکه مطلوب و آرزوی ایرانیان آزاده و مبارز بوده است شکل سالمی بخود نگرفته. تیراندازیهای پراکنده و مداوم محاکمات پراکنده تر و ادامه حالت غیر عادی نسبتاً طولانی عدم تسلط دولت بر بسیاری از مسائل مملکتی موجب نگرانی میهن پرستان شده است.

وجود حالت غیر عادی در پس هر انقلاب اجتناب ناپذیر است ولی تداوم آن در شکل موجود در چشمان کنجکاو مردم علاءات سنوال برزبان بعضی دیگر ایرادات متعددی را نقش کرده است اگر بیاد بیاوریم که در کوبا کشتار همه عاملان فساد را در حدسیگار کشیدن رهبر انقلاب همزمان کردند اقلا باید بپذیریم که در ادامه کار انقلابی ماسهو - بی ترتیبی و در نتیجه تفاهمی بزرگ سایه افکنده است.

مگر نیست که در هر بازی باید قواعد بازی را مراعات کرد و منطق انقلاب هم خود انقلاب است پس چرا معطل هستید و یکشنبه همه این جانیان را از دم گلوله گرم نمیگذرانید مردم ما از نظر خلقی با مردم دیگر تفاوتی فراوان و عاطفی دارند و در کار هر قومی تدبیری مناسب آن قوم ضرور است چرا در کار ارشاد جامعه توجه شایسته وجود ندارد؟ و چرا در تبیین جنایات این عاملان کثیف رژیم تا آن حد مسامحه کرده ایم که کم کم در گوشه و کنار با چشمهای مستفسر و سخنانی زیر لبی روبرو میشویم و در پی چاره آن هم نیستیم فراموش نکنیم هنگامی زرادخانه های شاه از کار افتادند و ارتش وابسته نتوانست قدرت سهمگین آتش خود را بروی مردم بگشاید که افکار عمومی زمینه اجرا و اقدامش را محکوم کرده و سربازها اعتقاد خود را بشروعیت اقدامشان از دست داده بودند و از این نکته نباید غافل شویم که مجامله طولانی ما بکمک عدم تامین که در حال حاضر فراهم کرده ایم - نداشتن ضابطه کافی در کار تعقیب جنایتکاران را بیاری گرفته و با تکیه بر نداشتن برنامه توجیهی و ارشاد دقیقاً اقدامات انقلابی را مورد سنوال قرار داده است؟ از این خطای بزرگ باسانی نمیتوان گذشت که رادیوی ما، تلویزیون ما، مطبوعات ما علناً از قول فرمانده معدوم نیروی هوایی بکرات عنوان میکنند «هنگامی به فساد و پوشالی بودن شاه سابق پی بردم که ژنرال آمریکائی دمش را گرفت و از ایران بیرون انداخت» راستی آقایان زعمای قوم اگر شاه سابق را ژنرال آمریکائی بیرون انداخته است پس جوانان آغشته بخون این مردم از جان گذشته و بالاخره شمار هبران چکاره بودند و چرا باید این یایه های بی

نیرو گاههای اتمی خطرناک را تعطیل کنیم

خون

رنگ خون راگر طبیعت واله و مفتون نبودی
بامداد و شام دامان افق گلگون
نبودی
(مرحوم صهبا) در صفحه ۶

سخن کوتاه هفته

اعدام هویدا بمنزله اعدام رژیم جبار و ستمگری است که سالیان دراز با شرف و فضیلت انسانی خصمانه می جنگید و با درنده خونی جانیان بالفطره را بر سر نوشت مردم محروم ایران مسلط ساخته بود.

اگر بشود از فرعون فراری این جنایتکار برگزیده تاریخ بشری موجودی برتر و افسانه ای بسازیم هرگز قادر نبود که اینهمه جنایت را یک تنه و حتی با شاهزادگان قدونیم قد مرتکب شود.

در صفحه ۸

صادق سرفراز
پیامی کوتاه به
سندیکای نویسنده گان و
خبرنگاران مطبوعات

تقارن انتشار بیانیه سندیکای نویسنده گان بامقاله من زیر عنوان مطبوعات در قلمرو انقلاب که در شماره گذشته پرخاش چاپ شده بود و قرابت و مشابهتی که از جهانی جهراتی هر دو نوشته دیده میشود مشوق من در ادامه بحث گردید.

مقدمتا اشاره کنم که نگارنده از کم و کیف سندیکا و حدود وظایف و کار و تعداد و هویت اعضاء و شخصیت هائی که هیئت مدیره را تشکیل میدهد بی اطلاع

در صفحه ۵



هفته گذشته در شهر کوچکی بنام هاریبرگ در ایالت پنسیلوانیای آمریکا ناگهان جنب و جوش و

از فرستنده رادیوی درگوشی غافل نشوید

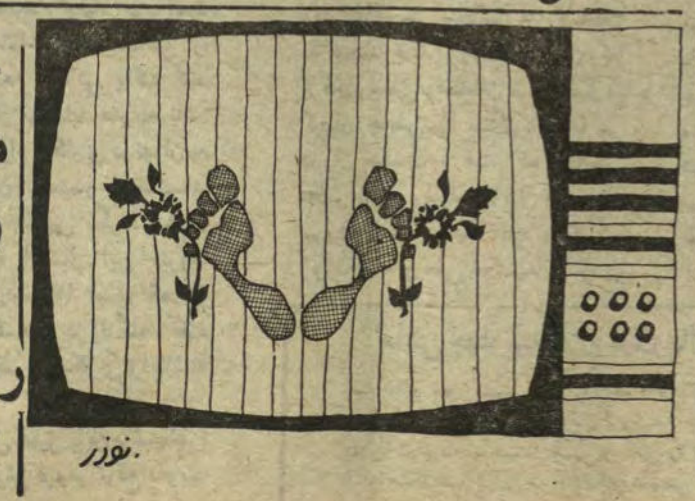
در صفحه ۴

مسئولیت اتحادیه های کارگری در تولد و رشد دمکراسی

از حمید - لندن

همه متفق القولند که انقلاب ایران در مرحله بسیار حساسی است ولی حساسیت موقعیت فقط ناشی از نهادهای اجتماعی که شاید ریشه هایش در ماوراء دو دهه گذشته باشد نیست، بلکه مولود رابطه این نهادها با تغییر شدید و تأثیر جهان بینی های گوناگون و وزن هر یک اینها در تشکیل ساخت سیاسی اقتصادی آینده است.

در صفحه ۶



چهار میلیون و نیم برای روزنامه
در صفحه ۳

مذهب علیه مذهب

در صفحه ۲

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قبول توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

هزار نکته باریک ترزمو...

مذهب علیه مذهب

جمهوری اسلامی، علیه جمهوری اسلامی

ابوالفضل قاسمی

هنرمند آن نیست که فقط از واقعیت سخن گوید بلکه کسیست که واقعیتی را بگوید که لازم است در یک برهه خاص زمان گفته شود.

هر چه ما را چنین درمانده و ورده استعمار و استبداد کرد، که دشمنان آزادی توانستند باستانی بردست و پای ما بند های بردگی و عقب ماندگی بزنند، ارتجاع، ارتجاعیکه با یک لایه و رویه زیبا و مطلوب دین بخورد ما دادند که نظامی گنجوی چه خوب این نکته را خطاب به پیامبر راستین بیان داشته است

دین ترا از پی آرایشند از پی آرایش و پیرایشند بسکه به بستند به دین برگ و ساز گر تو بیایی شناسیش باز اسلام آئین برابری و آزادی دکترین تقوی و فضیلت و دموکراسی، ایدئولوژی جهاد و شهادت بود استعمار را یاری از نبود که به قلمرو (مدینه فاضله) ولو در عمل ناقص نزدیک شود. پس چه باید کرد؟ باید این ایدئولوژی مبارزه و پویا، زنده و پیشرو را جامد و راکد، منحنط و مخدر و خواب آور کرد تا بگویند (دین تریاک ملتها و توده هاست)

اسلام برابری و آزادی را باید دشمن آزادی و برابری، پاسدار ستد و بهره کنی، پایگاه استبداد و استعمار کرد تا آنجا که یکی از مظاهر سرشناس ناراستین آن علمدار (مشروع) شود و رساله ای به دفاع از اسلام علیه دموکراسی بیرون دهد با اصل (مساوات) در اسلام بچنگد و بخواد (مشروع) را جانشین (مشروطه) کند و حال آنکه هیچکسی مثل پیامبر اسلام مساوات را در اسلام تفسیر نکرده است آنجائیکه می گوید مردم مانند دندانهای شانه با هم برابرند (الناس سواسیسه کاسنان المسط) رواش تادباد (آخوند ملا محمد کاظم خراسانی) که به شیخ فضل اله نوری نوشت (آخوند... مشروطه مشروع نمی شود) دانش و پیش، درایت و فهم پیشوایان دینی امروز سیاست (طباطبائی، بهبهانی،

مازندرانی، تهرانی، ملک المتکلمین، آقا جمال اصفهانی، ثقه الاسلامی... را از اینجا بخوبی می توان درک کرد که نگفتند ما (مشروطه اسلامی) می خواهیم چون اگر مشروطه، اسلامی شد دیگر مشروطه نیست چیز دیگریست در همان حد و بعد و شکل و گونه ایکه شیخ نوری می خواست که او باش و اراقل را عرق بخوراند بریزد از ادبخواهان را بکشند، خانه ها را غارت کنند اسلام آئین جهاد و شهادت، دین جنگ و پیکار بود همان دینی که وقتی ابومسلم از خاوران (درگز) پیا خاست پرچم جنبش آن این بود (اذن للذین ظلموا یقاتلون) خداوند اجازه داده است متم زده ها بیا خیزند تا بیدادگران را بکشند)

این اسلام دشمن ارتجاع و استعمار و استبداد است برای این اسلام را باید هیچ و پوج بی محتوی کرد، (تشیع سیاه) بجای (تشیع سرخ) نشانند بجای اینکه محرومین بیا خیزند فریاد زنند. (زندگی یعنی آرمانخواهی و در راه آن رزمیدن) بگویند (گریه بر هر درد بی درمان دواست) بجای اینکه شعار ما این باشد (بمیر یا بمیران) داد بزینم (یکی یا ابکی... گریه کن یا بگریان، بجای اینکه بگوئیم (حق گرفتنی است) بپذیریم: باخدا دادگان ستیزه مکن که خدا داده را خدا داده است

اینچنین (خاکسیر یسم) بجای (دینامیسم) در اسلام نشست و بقول معلم بزرگ قرن ما و مصلح آئینی اسلام ما، دکتر شریعتی مذهب علیه مذهب، دین روبروی دین قرار گرفت ما را بخاک سیاه نشانند بند های استبداد و استعمار را با دست (بلعم باعورا) به دست و پای ما زدند، استعمار اینچنین در قلمرو وسیع اسلام از دیوار چین تا ناف آفریقا و جنوب اروپا (آنتی تزاها) را در برابر (تزاها) قرار داد (تشیع صفوی) جانشین (تشیع علوی) شد در واقع (شیعه ساسانی) که مظهر نظام جباریت پیش از اسلام بود بجای اسلام نشست (تسن عثمانی) بجای (تسن صدر اسلام) نشست

(تشیع ایرانی) را بجنگ (تسن عثمانی) فرستادند که شکست هر کدام بسود استعمار بود جمهوری یعنی چه یعنی نظام مردمی، حاکمیت مطلق ملی، رژیم دموکراسی، حکومت آزادی، داد و برابری و تقوی

استعمار بخوبی میدانند دیگر حربه های کهنه و زنگ زده (نظام شاهنشاهی، دیکتاتوری، انقلاب شاه و مردم...) همه این ابزار های مصرف و از کار افتاده است دیگر با شاه در ایران نمیتوان (دیکتاتوری) ساخت اگر همه نیرو های علمی و نظامی و پولی خود را بکار گیرد دیگر رژیم شاهنشاهی یک روز قابل برگشت نیست نمی تواند بیست و چهار ساعت سر کار بماند پس چه باید کرد دوباره دنبال همان (استراتژی سیاه) رفت همانطوریکه با مذهب بچنگ مذهب آمدند اسلام را هیچ و پوج کردند جمهوری را نیز مخوف و پوج و بی محتوی ولی شفاف و پرزرق و برق، فریاد کنند از جمهوری استبداد بسازند و بخورد ما بدهند همانطوریکه (مذهب را علیه مذهب) قرار دادند جمهوری را بچنگ جمهوری بفرستند همانطوریکه با مذهب سیاه و تشیع سیاه پدر تشیع سرخ را در آوردند با جمهوری سیاه، (جمهوری انسانی) (جمهوری اسلامی) را بخاک سیاه نشانند

همانطوریکه مذهب آزادی، برابری، دادخواهی، حق طلبی، فضیلت چونی را اسیر مذهب کهنه پرستی، سنگ گرای، خشکه مقدسی پاسداری از نظام استعمار، استحمار، استبداد و استثمار کردند. جمهوری را علیه جمهوری علم کنند، از جمهوری سیاه علیه جمهوری سرخ (دیکتاتوری) بسازند من صد در صد پیرو جمهوری اسلامی، جمهوری سرخ (خمینی، طالقانی، شریعتی) هستم ولی نه تابع جمهوری سیاه (...)

من از مفصل این قصه مجملی گفتم تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. از این افراد بدون درسر روزانه چند هزار ریال درآمد داشتند و قهرا حاضر بکار سخت در مزرعه با حقوق معمولی نمیشدند بر اولیاء امور است که تنگ مشاغل شاهنشاهی را از دامان جامعه انقلابی پاک کنند و وزارت کار نیز باید متوجه باشد که پرداخت وام بیکاری در تهران به خالی شدن بیشتر روستاها از کشاورزان منتهی نگردد بنظر ما بهترین راه انتقال این نیروها بهزارع و روستاها است که هر بیکاری فقط درزادگاه خود صلاحیت اخذ وام بیکاری را داشته باشد. رسیدگی عمیق باین پیشنهاد را از آقای داریوش فروهر توقع داریم.

قیام - کودتا - انقلاب

با کودتا هم همه جرایه ملی نابود و مدیرانش بقتل میرسند چرا در این انقلاب حقه فکر بدان نام و نشانست که بود باز هم اطلاعات یا کیهان، آیندگان و رنگین نامه های تنگین که مدیرانشان در کار ایران نوین و رستاخیز مداحان و آتش بیاران و نمایندگان مجالس شاهنشاهی بوده اند و حالا از پاپ هم کاتولیک تر شده اند.

مگر نه اینست که در هر انقلابی باید همه نهادهای سازمان فاسد درهم بریزد پس چرا! و چرا؟ عرض کردم بقای محققان تاریخ ایران ادعا میکنند یکی از عوامل بقای ایران همین خصلت سازشکاری ایرانیان در مقابل فشارهای خارجی بوده است که در برابر هر انقلاب و طوفانی که از خارج ایران عمری تهدید کرده است با وجودیکه درخت ملیت را عمری طولانی است خصلت روانی جامعه ما به تدبیر نرمش متوسل میشود و چون نهالها در برابر طوفان خم میگردد چون حادثه گذشت دوباره بجای خود میایستد و همین شیوه است که ایران را از حمله مغول نجات داد و حتی در کار اسلام هم علمای عجم در بعضی از رشته ها بر همکاران عرب خود پیشی گرفته اند.

گفت. پس میخواهید بگویند این انقلاب، ایرانی است، نه ایمانی. گفتم: چنین مقصودی ندارم ولی درباره انقلاب دو نظریه وجود دارد، گروهی آنرا دنباله جنبش ضد استعماری و کثیری آنرا ایمانی و دنباله قیام ۱۵ خرداد شناسند. گفت چه انقلاب ایرانی و چه ایمانی باشد من دلیلی نمی بینم که بلندگویان شاهنشاهی بتوانند ارگان انقلاب شوند و هر روز چون خاری بچشم مردم فرو روند.

گفتم هزار نکته باریکتر زمو اینجاست اگر انقلاب نزولش باشد که تدبیر مذکوره منسوخه است و در شان نزولش در برابر خارجیان - و در نتیجه باید همه جنایتکاران قلم برکف نیز چون دیگر مزدوران شاهنشاهی مجازات شوند و اگر این انقلاب ایمانی باشد نگارنده شایستگی توجه موضوع را ندارد و باید رهبران مذهبی من و تو و دیگر هموطنان را از این نقطه نظر آگاه کنند.

گفت پس اعم از اینکه انقلاب ایرانی یا ایمانی باشد مطلب بشما مربوط نمیشود. عرض کردم حتما به من و شما مربوط است و باید مراقب باشیم با توجه به اولویت ها و تثبیت جمهوری اسلامی اگر اقدام درباره ماموران شاهنشاهی مطبوعات باز هم دستخوش تقلیل و تاخیر شد موضوع را تا اخذ نتیجه تجدید و تعقیب کنیم.

الف

دانشجو بسابقه جوانی با حرارت سخن میگفت و مصرا میخواست که مفاهیم واقعی قیام، کودتا و انقلاب را برایش تشریح کنم و نمونه هایی از آنها را در تاریخ ایران و دیگر کشورها نشان بدهم، گفتم: تا آنجا که استنباط میکنم اقدام دسته جمعی مردم را علیه حکومت قیام نامیده اند و نمونه آن سی ام تیر ۱۳۳۱ است که شاه سابق در کار مصدق کارشکنی کرد و قوام را بر سر کار آورد مردم دست جمعی قیام کردند و شاه خائن را شکست دادند. البته در تاریخ خودمان قیامهایی از قبیل خیابانی و میرزا کوچک خان هم بیاد داریم. کودتا یک اقدام نظامی را گویند که یک فرمانده و یا گروه سربازان و اکثرا با حمایت و موافقت خارجی برای اعمال حاکمیت خود بر مردم بان دست میزنند. نمونه آن کودتای ۲۸ مرداد است که بدست انگلیس و آمریکا و متاسفانه با تأیید همسایه شمالی علیه دکتر مصدق انجام شد. انقلاب هم همین است که می بینی و چیزی که عیان است چه حاجت به بیان. گفت شما که در همه این جریانات حضور داشتید بفرمائید وقوع هریک از وقایع چه حوادثی را بدنبال داشت. گفتم:

در قیام سی ام تیر که مردم مصدق را با نثار خون خود بحکومت برگرداندند اقداماتی در جهت رفاه حالشان مطمول گشت که بطور خلاصه عبارتند از: از دیاد سهم کشاورزان اصلاح قانون بیمه کارگران - تخصیص اراضی موات بطبقه بی بضاعت و تشکیل بانک ساختمانی برای این منظور - مصادره اموال قوام و تعقیب قانونی او.

در کودتای بیست و هشتم مرداد همه احزاب ملی و روزنامه ها باتش کشیده شدند و دولت ملی مصدق سقوط کرد. مصدق و وزیرانش یزدان افتادند و همه روزنامه های ملی تعطیل شدند و دوتن از ما، دکتر حسین فاطمی و کریم پور بیدترین وضع شهادت رسیدند و بقیه نیز یزدانهای طولانی دچار شدند تا پایه حکومت دیکتاتوری تحکیم شد.

درباره انقلاب هم که می بینی و خود شاهد هستی، نزدان و جانیان را میگیرند و مجازات میکنند و اقداماتی در جهت بهبود زندگی مستضعفین در جریان است.

گفت جان کلام در اینجاست وقتی با تغییر سلطنت از رضاخان به محمدرضا، روزنامه ایران که ارگان رسمی رضاخان بود تعطیل و کیهان جایش را میگیرد و یا در دوران نهضت و قیام که انحصار مطبوعاتی وسیله باختر امروز، نیروی سوم جبهه کودتا دیگر روزنامه های ملی شکسته میشود و

مشاغل شاهنشاهی - فروش

و نیستون - بلیت بخت آزمائی

پرداخت وام بیکاری را

از روستاها شروع

کنید

نیروی انسانی در روستا روبرو هستیم. در گذشته نزدیک مشاغل شاهنشاهی رژیم که فروش بلیت بخت آزمائی و سیگار فرنگی بود در همین تهران هزارها کشاورز را به بیکاری کشانده بود و هریک

دادبیکاران برهوا بلند شده است هنوز دوماه از روی کار آمدن دولت نگذشته است که رویه های آنچنانی مخالفان که شاهد اجرای آن در زمان دکتر مصدق بودیم مجدداً آغاز شده است تقلیل ساعات کار بچهل ساعت - ساختن منزل برای کارگران در همین هفته ترقی سن شروع کار به بیست سال و تنزل سن بازنشستگی بچهل سال

اینها از خواسته های کارگران بیکار است که عرصه را بر وزیر کار دولت انقلاب تنگ کرده اند و در حالیکه با تعطیل کارخانجات وابسته مملکت بایکاری شدید روبروست هنوز هم مزارع مافاقد کارگر کشاورزی بوده با کمبود

ماهی چهار میلیون و نیم ریال هر روزنامه

اعلام شده است که از بودجه محرمانه سازمان برنامه و بودجه فقط ماهیانه چهار میلیون و نیم ریال پروژنامه کیهان و همین مبلغ نیز پروژنامه اطلاعات پرداخت میشده است از آقای وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه میخواهیم در این مورد بافکار عمومی توضیح کافی بدهند.

نگارش هایل

عامل ناپیدای گرانی

مقصود نگارنده از عامل ناپیدای گرانی، افزایش نامتعادل ارزش سرقفلی محل های کسب و پیشه یا تجارت میباشد. مقدمات باید توضیح دهم که سرقفلی از دو نقطه نظر میتواند مورد بحث قرار گیرد: نخست از لحاظ اقتصادی و دوم از جهت حقوقی و قضائی. در بحث ما نقطه نظر اقتصادی هدف و مقصود است.

سرقفلی مشروع ترین و منطقی ترین حقی است که عرف و عادت در زندگی اجتماعی بوجود آورده است در تاریخ پیدائی و تکوین حقوق هیچ حقی باندازه سرقفلی بنحو منطقی و معقول خلق نشده است.

سرقفلی در آغاز تکوین خویش در یک ضرورت اجتماعی مبتنی بر حسن سلوک و حسن رفتار و اخلاق و از همه مهمتر «ارزان فروشی» پیدا شده است باین ترتیب که وقتی یک فروشنده در خیابان یا بازار برای یک دوره ممتد رفتاری بان نحو که گفته شد دارد و از خود خاطره خوبی در ذهن مشتریان و مراجعان باقی میگذارد طبیعتا نام و سابقه کار او بموقعیت دکان و مغازه و یا تجارتخانه اش «یک نوع ارزش اقتصادی» میبخشد. این ارزش اقتصادی از آنجا پیدا میشود که نه فقط مشتریان سابق او همیشه برای معامله بان محل مراجعه میکنند بلکه در نتیجه بازگو کردن حسن مراد و حسن اخلاق وی خریداران جدید نیز به نامبرده رجوع مینمایند لیکن همین حق سرقفلی که در ابتدای ایجاد و خلقت خویش انسانی و منطبق با حوائج طبیعی بشر بوده وقتی از محیط «عمل و فعالیت» خود دور میشود «قلب ماهیت» پیدا نموده و چنان فشار سنگینی بر دوش مصرف کنندگان وارد میآورد که نظیر آن کمتر دیده شده است.

شرایط پیدائی و تکوین سرقفلی

سرقفلی در محیط و اوضاع و احوالی بوجود میآید که کسبه و پیشه وران و بازرگانان یک صنف میتوانند ده ها و صد ها نفر در بازار یا خیابان و کوچه یا یک سرا، در کنار یکدیگر و حتی چسبیده بهم مغازه و یا حجره داشته باشند بنابراین کاملا عادلانه و منطقی است هرگاه فروشنده ای که توانسته مشتریان زیاد در اطراف محل خود بوجود بیاورد صاحب حقی بنام سرقفلی بشود زیرا هیچ چیزی بیشتر از این بشفیع مردم و جامعه نیست که فروشنده ای با رقابت سالم و آزاد بتواند مشتری زیاد پیدا کند.

چگونگی تغییر محیط عمل و فعالیت - بشرخی که گفته شد سالهای سال کسبه و بازرگانان (از صنف واحد) در کنار هم دکان و حجره داشتند و هر یک در جلب مشتری بیشتر وبالطبع فروش ارزان جهد و کوشش مینمودند ناگهان معلوم نیست کدام ناپرخود حدود

صنفی را با اقتباس از مقررات غلط فرنگ بشهرداری القاء نمود شهرداری هم بدون تفکر بعوارض و عواقب آن وبدون آنکه توجه داشته باشد که در اقتصاد لیبرالیسم تعدیل قیمت بر اساس رقابت آزاد فروشنندگان است و وضع حدود صنفی رقابت را نابود میسازد ضربه مهلکی بر پیکر قانون عرضه و تقاضا وارد کرد.

از این زمان است که سرقفلی که پیدائی و تکوینش آن اندازه مقدس و مشروع و منطقی بود رفته رفته با بازار تجاوز و ستم تبدیل میگردد.

ضربه دوم را نیز شهرداری با تعیین نقشه و تقسیم شهر بالطبع مسکونی و تجاری بر پیکر قانون عرضه و تقاضا وارد کرد. قانون عرضه و تقاضا این بار دیگر بکلی محو و نابود شد و نتیجه آن نه فقط زبان مصرف کنندگان تمام شد بلکه خود کسبه و بازرگانان نیز از آن زیان دیدند بطوریکه میدانیم در نتیجه برقراری حدود صنفی و سپس استقرار مناطق مسکونی و تجاری اصناف فقط در مناطق تجاری انهم با قیود و شرایط بسیار سخت میتوانند با اصطلاح واحد صنفی دایر کنند این محدودیت طبعاً قیمت اراضی منطقه تجاری را نسبت بمنطقه مسکونی بالا میبرد و ارزش سرقفلی را که باید با کار و کوشش مستاجر بوجود بیاید در قیمت زمین منطقه تجاری متجسم میکند.

برای روشن شدن بیشتر موضوع یکی دونه نمونه بعنوان مثال ذکر میکنیم:

در حال حاضر یکی از مشاغلی که فوق العاده مورد حاجت است «سرویس و تعمیر اتومبیل» است اجازه دایر کردن سرویس را حسب مقررات که هنوز معتبر است شهرداری فقط در مناطق تجاری میدهد در بدترین مناطق تجاری، ارزانترین زمین کمتر از متری ده هزار تومان نیست، حداقل مساحتی که برای یک اتو - سرویس لازم است پانصد متر میباشد و قیمت آن پنج میلیون تومان میشود بهره چنین سرمایه ای در سال از قرار صدی هیجده که نرخ متعادل بهره میباشد نهصد هزار تومان است. حالا اگر صاحب اتوسرویس خودش آنرا اداره کند یا بغیر اجازه دهد در هر صورت میبایست ارزش سرمایه ای را که در این اتوسرویس متبلور گردانیده یا یکجا بعنوان سرقفلی، یا بصورت انتفاع ماهانه دریافت دارد.

اکنون فکر کنیم که صاحب این اتوسرویس و یا مستاجر خریدار سرقفلی چگونه باید کسب و کار کند تا فقط بتواند سالی نهصد هزار تومان بهره پول بدست آورد؟

مثال دیگر، فرض کنیم یک لبنیات فروش و یا ساندویچ فروش سرقفلی مغازه ای را دریکی از خیابانهای ثخت طابوس یا عباس آباد به قیمت خیلی ارزان مثلا پنج

فرمانده

فوج گارد نیر انداز آرمیاد طهران دیوبیزون قزاق اعلیحضرت قویشو کت اقدس همایون شاهنشاهی



بتاریخ ۳۸ شهریور ۱۳۳۷

طهران

مغربی منظر صدوق شاه نایب ان الاموال سلطان...
مدت کار از وقت حج و اطلاع ندارم لازم است...
بمهره نیندازم در خدمت لایا داد و او مرا بکنم...
افسر سرتیپ امیر معزز سرتیپ سنی کار از تو...
اردم و نارگون به حج و حج از طرف شما اقدام...
شده است به نیت علی علیه السلام...
تو بر اعزاز در کجایا سرتیپ امیر...
موفق نمیشد از هم به نور سید از...
ممنونم از سرتیپ توانم به این کار برسم تا من...
مدت مدتی روانه دارم به این باره حقا تمهید

نمونه خط اعلیحضرت قدر قدرت در زمان سرتیپی رضا خان

مغربی لخواقان صادق خان نایب انشاء الله احوال سلامتی شما خوبست مدتتست که از طرف شما حج اطلاعی ندارم لازم بود که به شما به نویسم و خود را یادآوری کنم که در وقت رفتن شما به این معموریت من به شما کاری رجوع کردم تا کونون به حج و حج از طرف شما اقدامی نشد. بسیار تعجب میکنم از شخص شما که این تور بی اعتنائی در کارهای من بکنید اگر شما موفق نه شدید توست حمان کاغز با پست روانه دارید تا یک نفر دیگر روانه کنم لازم بود به نوی سید از برای من که من نمی توانم به این کار برسم تا من یک کس دیگر روانه دارم به این کار خاتمه دحد البته به محض رسیدن کاغز فوری جواب بدهید اجازه نامحه را هم به باین کار رسیده گی نماید.

سرتیپ رضا

تلگراف شهری

جناب آقای میناچی

وزیر محترم اطلاعات . خبر گزاری پارس از قول آقای دکتر ممکن معاون آن وزارت اعلام داشته است جلسه ای با حضور نمایندگان سندیکای مطبوعات ضوابطی برای انتشار روزنامه و مجله در ایران تعیین خواهد کرد دریافت این خبر با تأسف و تعجب و اعتراض شدید نویسندگان و روزنامه نگاران اصیل ملی ایران روبرو گردید زیرا قبل از هر چیز باید و ضرورت دارد مشخص شود اعضای سندیکای نویسندگان خود کیانند و در این دوران بیست و پنجساله اختناق در چه کار بوده اند و چگونه اهلیت و صلاحیت داوری در باره مطبوعات ملی را دارا هستند؟
بنظر ما چنانچه بارها اعلام کرده ایم نه مطبوعات بزرگ شاهنشاهی که امکانات و سرمایه عظیم شان را از غارت اموال مردم و خون بهای جوانان این مرز و بوم فراهم ساخته اند و نه نویسندگان ملازمشان قبل از یک حسابرسی دقیق و ملی حق استفاده از عنوان روزنامه نگار و نویسنده را ندارند. بعبارت روشن تر و صریح اجازه نخواهیم داد کسانی که قلم در چشم شهیدان فرو برده رهبران نهضت ضد استعماری را خائن و جانین را مقدسات ملی شمرده اوراق خدمتی شان با مدح دیکتاتور سیاه شده و دشنه آدمکشان را صیقل زده اند حاکم بر سر نوشت مطبوعات ملی کردند.

توجه باین حقایق را نه در حد یک وظیفه بلکه بصورت دینی مسلم بر عهده آنجناب میشماریم.
احمد انواری دبیر جبهه روزنامه نگاران ملی ایران ومدیر روزنامه پرخاش

میلیون ریال خریداری نماید این پنج میلیون ریال بهره دارد و صاحب مغازه بهره آنرا روی کالا یا محصول خویش میکشد. به این پول با همان نرخ بهره ای در حدود روزی دو هزار و پانصد ریال تعلق میگیرد پس مستاجر علاوه بر هزینه های دیگر مغازه روزی نه هزار و پانصد ریال بهره سرقفلی را روی قیمت کالاها و محصولات خویش اضافه میکند بنابراین ملاحظه میشود که سرقفلی یا «قلب ماهیت خویش» چگونه عامل فوق العاده قوی موثر در گرانی افزایش قیمت ها گردیده است و بمنظور حذف این عامل می بایست اولاً مقررات مناطق مسکونی و تجاری و ثانیاً حدود صنفی را بکلی ملغی نمود. و در زمینه بازارها بر میدانهای عمومی مبادلات کالا نیز باید اقدامات و اصلاحاتی بعمل آید و در صورتیکه عمری باشد امیدواریم در آینده در این قسمت نیز با خوانندگان عزیز صحبت داشته باشیم.

هدفهای اجتماعی انقلاب چه میتواند باشد؟

سیاست تزریق درآمد نفت در بالای هرم جامعه از طریق انحصارات، مقاطعه کاران بزرگ و گسترش عظیم دستگاههای دولتی و تراکم سرمایه و ثروت را در دست عدهای معدود بیار آورد. بدین ترتیب، حتی آن مقدار از بودجه دولت و درآمد کلان نفت که صرف خرید اسلحه نمی شد، در داخل مملکت بنحوی تقسیم نشد که موجب اشتغال تام و ایجاد امکانات رفاهی و توزیع عادلانه ثروت گردد. بلکه عده معدودی که باین درآمدها دست یافتند هر چه حریص تر و طماع تر اقدام به جمع آوری آن و مال اندوزیهای عظیم و خروج سرمایه از مملکت کردند. امکانات آموزشی، بهداشتی و گروههای اجتماعی بنحوی نامطلوب توزیع شده بود و بطور قطع می توان گفت که اکثریت جامعه ایران در فقر و مرض و نداری بسر میبردند.

در بازسازی جامعه و ایجاد رفاه اجتماعی برای همگان توجه به اصول زیر ضروری است:

- ۱- توزیع بودجه عمرانی برحسب عقب ماندگی مناطق جغرافیایی و اولویتهای توسعه اقتصادی.
- ۲- پرداختهای مستقیم با افراد و احاد جامعه بصورت بازنشستگی و بیمه عمومی، حقوق دوران بیکاری (که می تواند مبنای حداقل حقوق باشد)، کمک هزینه تحصیلی، کمکهای غیر نقدی مانند آموزش رایگان و درمان ملی.
- ۳- کمک به واحدهای کشاورزی و صنعتی جهت ارزان نگهداشتن قیمت کالاهای آنها از طریق پرداخت قسمتی از هزینه های تولید.

سیاست تزریق درآمد نفت در بالای هرم جامعه از طریق انحصارات، مقاطعه کاران بزرگ و گسترش عظیم دستگاههای دولتی و تراکم سرمایه و ثروت را در دست عدهای معدود بیار آورد. بدین ترتیب، حتی آن مقدار از بودجه دولت و درآمد کلان نفت که صرف خرید اسلحه نمی شد، در داخل مملکت بنحوی تقسیم نشد که موجب اشتغال تام و ایجاد امکانات رفاهی و توزیع عادلانه ثروت گردد. بلکه عده معدودی که باین درآمدها دست یافتند هر چه حریص تر و طماع تر اقدام به جمع آوری آن و مال اندوزیهای عظیم و خروج سرمایه از مملکت کردند. امکانات آموزشی، بهداشتی و گروههای اجتماعی بنحوی نامطلوب توزیع شده بود و بطور قطع می توان گفت که اکثریت جامعه ایران در فقر و مرض و نداری بسر میبردند.

در بازسازی جامعه و ایجاد رفاه اجتماعی برای همگان توجه به اصول زیر ضروری است:

- ۱- توزیع بودجه عمرانی برحسب عقب ماندگی مناطق جغرافیایی و اولویتهای توسعه اقتصادی.
- ۲- پرداختهای مستقیم با افراد و احاد جامعه بصورت بازنشستگی و بیمه عمومی، حقوق دوران بیکاری (که می تواند مبنای حداقل حقوق باشد)، کمک هزینه تحصیلی، کمکهای غیر نقدی مانند آموزش رایگان و درمان ملی.
- ۳- کمک به واحدهای کشاورزی و صنعتی جهت ارزان نگهداشتن قیمت کالاهای آنها از طریق پرداخت قسمتی از هزینه های تولید.

نیروگاههای خطرناک اتمی

را تعطیل کنیم

را بشعاع ۸ کیلومتر بخطر انداخت. علت این حادثه تغییرات ناگهانی درجه حرارت راکتورهای نیروگاه اتمی تولید برق آن شهر بود که امکان پخش مواد رادیواکتیو و آلوده کردن آن منطقه را بحدی رسانید که اغلب اهالی بفرار مهاجرت و فرار از خانه و کاشانه خود شدند.

این زنگ خطری بود برای اولین بار در کشوری که از لحاظ صنعت بسیار پیشرفته و نیروگاههای هسته ای آن بشدت مراقبت و مواظبت میشوند و سلامت و حفاظت از مردم و محیط زیست حائز اهمیت فراوان بوده و توسط موسسه های مختلفی مرتباً بررسی و کنترل میشود. چنین نیروگاههایی که در کشورهای پیشرفته صنعتی هنوز مراحل اولیه و آزمایشی خود را طی میکند توسط دولت های استعمارگر به ملت ایران تحمیل شده است و توسط عوامل رژیم سابق چنین قراردادهای گران قیمت و ننگینی بامضاء رسیده است.

لازم بیادآوری است کشوری چون ایران که از لحاظ مواد سوختی جهت تأمین نیروی برق دارای معادن زیر زمینی بسیار غنی میباشد هیچگاه به نیروگاههای اتمی محتاج نبوده و اگر هم در آینده بسیار دور احتیاج به چنین پروژه ای باشد لازم است از تاریخ و آزمایشات کشورهای صنعتی و پیشرفته که درین مورد مراحل ابتدائی را طی میکنند و ظرف سالیان آینده تجربیات بیشتری کسب مینمایند استفاده شود نه اینکه پول و سرمایه مملکت و جان انسانهای بیگناه مملکت را بعنوان لایراتوار در اختیار کشورهای سرمایه دار و استعمارگر غرب بگذاریم.

فاجعه ای که هم اکنون در آمریکا در شرف انجام است زنگ خطری است به تمام جهانیان که درباره این گونه پروژه ها دقت و نظارت بیشتری بعمل آورده جان و مال مردم بیگناه را بخطر نیندازند. امیدواریم دولت موقت آقای بازرگان بررسی های لازم برای استفاده های دیگری از ساختمانهای چنین نیروگاههایی که در بعضی نقاط ایران ساخته و یا نیمه تمام هستند بعمل آورده و پروژه های ضد مردمی را باطل و بودجه آن را صرف مصارف عمرانی، رفاهی و کشاورزی بنمایند.

مهندس علی کریم آبادی

چرا به وضع سرمایه ی این سازمانهای فساد و تباهی رسیدگی نمیشود

بگمان ما باید نام هر ورقه ای که در طول بیست و پنج سال اخیر منتشر شده است از جلو چشم مردم داغ دیده و قهرمان کشور برداشته شود اموال این مزدوران باختیار دولت قرار گیرد و سائل این سازمانها باید ملی شوند و برای استفاده عموم تخصیص یابند. برای کار روز نامه های جدید هم میشود ضوابط انسانی و معقول فراهم کرد و در ظرف یک هفته این امکانات را بخدمت مطبوعات ملی واصل گذاشت تا خلأ موجود بصورتی اصیل و بنیادی جبران گردد ما حسب وظیفه این موضوع را تا کسب نتیجه تعقیب خواهیم کرد.

قابل توجه امیرانتظام از بوشهر اطلاع میدهند

تاراجگران میگریزند

آقای حسین فولادی که از فراری های لندن هستند و مقداری از اثاثیه شان وسیله کمیته در بوشهر توقیف شده از کمیته تهران اجازه خروج آنها را گرفته و میخواهد اموال و اثاثیه این فراری را از کشور خارج کند در حالی که خود آقای فولادی در ایران نیست. این سوال مطرح است چگونه اموال دزدان فراری را باید مرخص و تحویل داد.

را اشغال کرده مملکت اسرائیلی تشکیل دادند و استقلال آنها فقط دو قرن ادامه داشت، بعد هم قسمت اشغالی بوسیله اسرائیلیها به دو بخش تقسیم شد، و بخش شمالی کشور اسرائیلی - و بخش جنوبی کشور یهودا و در بین سالهای ۷۳۳ - ۷۲۱ - قبل از میلاد آشوریها بکشورهای اسرائیل و یهودا حمله کردند و قبل از ۷۲۱ پیش از میلاد مملکت اسرائیل نابود شد بعد از آنها دیگر استقلال نیافت - پس از آنها هم یهودیان در زمان وحشیها - و هم پیمانان آنان یعنی اولادیه رودوس بقتل کوچکی از این سرزمین حکومت میکردند با توضیحات بالا مسلم شد که تا این تاریخ فلسطینیها در آن سرزمین سکونت و مالکیت داشته اند اسرائیلیها از بین رفته متفرق شده بودند از کتاب فلسطین در پرتو حق و عدالت نوشته هنری کتن ترجمه از کاظمی خلخالی

نام و ناشر فلسطین از کجاست!

نام فلسطین قبل از ۱۹۲۲ - م در ازمنه بسیار باستانی از فلسطینیهاییکه در قسمت ساحل جنوبی مدیترانه در قرن ۱۲ پیش از میلاد میزیسته اند پدید آمده اکنون هم ادامه دارد. مراجعه بمدارک مشهور تاریخی نشان میدهد که سرزمین فلسطین از دیر زمانی مسکون بوده و در حدود بیست قرن پیش از میلاد بوده که کنعانیان بتدریج در صحرای ساحل این سرزمین ساکن شده برور زمان در آن قسمت شهرها و قصبات بوجود آوردند و برشد و نمو فرهنگ خود پرداختند چنانکه تورات هم در کتاب نصر شماره ۱:۳۴ - و ۱۰:۳۵، میگوید: «آن سرزمین را سرزمین کنعانیان میگفتند» قوم فلسطین و کنعانیان در آن سرزمین سکونت داشتند، تا هنگامیکه در قرن ۱۲ پیش از میلاد اقوام اسرائیلی از سرزمین مصر خارج شده بسوی سرزمین فلسطین رهسپار گشته، با جنگ سرزمین کنعانیان را متصرف شدند، در هنگام حمله اسرائیلیها ساکنین آن سرزمین (کنعانیان جعانیها، فلسطینیها) بوده اند و چون فلسطینیها پیش از تهاجم قوم کنعان و اسرائیل تسلط خود را در طول صحراها و نقاط ساحلی مدیترانه گسترش داده بودند، اسرائیلیها قسمتهای خالی از سکنه آن سرزمین

کجهان در شماره دیروز خود خبر داده بود که تنی چند از نویسندگان؟؟؟ در لیست ترور ساواک و سیا قرار داشته اند خبرنگار برخاش موکدا به لیستی دست یافته است که اقلا دو یا سه نفر از این بزرگواران حقه باز عضو حقوق بگیر ساواک بوده اند. جل الخالق

آقای دکتر کریم سنجابی دبیر جبهه ملی ایران و وزیر خارجه دولت جمهوری اسلامی ساعت ۶ بعدازظهر امروز چهارشنبه در سازمان مرکزی حزب ایران تقاطع کندی و آینه تاور سخرانی خواهند کرد. تبلیغات حزب ایران

از فرستنده رادیوی درگوشی غافل نشوید

مجله اشپیگل سه تفنگدار صالح در دوران اختناق ۲۵/ ساله و آنجا که عدم رضایت مردم اوج گرفته بود یکی از عوامل موثر در سقوط رژیم این فرستنده های درگوشی بودند که با همه سانسور و فشاریک خبر از این فرستنده چنان درسطح کشور پخش میشد که گویی همه فرستنده های معتبر جهان آترا پخش کرده اند از برکت نداشتن یک سیاست مطبوعاتی وارشاد صحیح متاسفانه بازم فرستنده مزبور موثرا بکار افتاده وشنوندگان فراوانی یافته است بطور مثال در هفته گذشته از این رادیو شنیدیم که مجله اشپیگل بعلت داشتن دو عکس از سه برادر در تهران توقیف واز پخشش جلوگیری شده است -

تکرار فراوان این خبر و تعبیر و تفسیر مطالب اشپیگل مارا بر آن داشت که باین برادران عزیز آقایان یزدی - قطب زاده و امیر انتظام متذکر شویم بهترین سیاست - سیاست صراحت و روراستی است اگر واقعا مجله المانی علیه شما مطلبی دارد آترا پخش کنید و جوابش را بدهید مردم خودشان صحیح را از سقیم تمیز میدهند ولی با جلوگیری از تشریک مجله امکان تفتین در افکار عمومی را بمغرضین ندهید زیرا ما که به برکت سوء سیاست وزارت اطلاعات برنامه صحیح مطبوعاتی وارشاد نداریم نباید بهانه بدست فرستنده های درگوشی بدسیم امیدواریم این تذکر صادقانه مورد توجه قرار گیرد. %

یادداشت هفته

دانشجو

جنبش دانشجویی در انقلاب اصیل و بزرگ ایران سهم برجسته‌ای دارد. در سالهای سیاه شکنجه و اختناق، دانشجویان پیشگام و مبارز مشعل آزادیخواهی را از کف نهادند و در برابر تمام دسیسه‌ها و یورشهای سرکوب‌گرانه رژیم شاه سابق مردانه ایستادند: تعدادی از آنها روانه مسلخ و شکنجه گاه شدند و تعدادی کثیر اخراج گردیدند و دانشجوی اخراجی در فرهنگ لغات ایران برای اولین بار شنانده شد. رژیم باگارد، اخراجها، دستگیریه‌ها و یورشهای نتوانست جنبش دانشجویی را مرعوب کند. نگاه دست به فریب بازید: اردوهای عمرانی، اردوگاههای تفریحی، وام‌های دانشجویی، کمک هزینه تحصیلی و نظایر آن از آن گونه‌اند. جنبش دانشجویی در زیر همه این ستم‌ها و فریب‌ها و ریاکاریها حرکت خود را ادامه داد و از پایگاه روشنفکری به آموزش و انگیزش توده‌ها پرداخت. جنبش از حد درون مرزی فراتر رفت و شبکه‌ای از مبارزه و اقدامات افشاگرانه را در سطح بین‌المللی طرح افکند.

درد بر دانشجو و شهدای دانشگاه

برادر دانشجو! این صفحه بتواضع دارد. دستهای ما در فضای پرخروش انقلاب پرتوان ترا میجوید تا باهم بسازیم ایران آباد و آزاد آینده را.

شورای نویسندگان پرخاش

دانشگاههای ایران و شهدایش

در راه تشکیل

شوراهای دموکراتیک دانشگاهی

در جهت برقراری استقلال برای دانشگاهها و موسسات آموزشی عالی، ضرورت تشکیل شوراهای دموکراتیک دانشگاهی احساس می‌شود. شورا باید مرکب از نمایندگان کادر هیئات علمی، دانشجویان و کارکنان اداری دانشگاه باشد و بدین ترتیب مشارکت کلیه نیروهای داخلی را در خود گرد خواهد آورد. شورا می‌تواند وظایفی از اینقرار را عهده دار شود:

- طرح ریزی نظام آموزشی (مواد آموزشی، ظرفیت پذیرش دانشجو)
- در چارچوب سیاستهای آموزشی
- طرح ریزی نظام پژوهشی در رابطه با سیاستهای ملی و منطقه‌ای صنعتی تولیدی کشور
- امور مربوط به توسعه دانشگاهی
- توزیع و تخصیص بودجه به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی و تعدیلات و اصلاحاتی که حین سال ضروری است.
- امور رفاه دانشجویان
- همکاری با سرپرست دانشگاه در اداره امور جاری و گزینش های افراد بنصاب و مشاغل
- نظارت بر حسن انجام خدمات اداری و مالی

بدیهی است که از اجتماع نمایندگان شوراهای دانشگاهها می‌تواند شورای مرکزی دانشگاههای ایران تشکیل شود.

شورای مرکزی دانشگاههای ایران که کار هماهنگی کلی و عمومی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی را بعهده خواهد داشت، ارتباط لازم با دولت (وزارت علوم) را برای حل و فصل مسائل دانشگاهی برقرار کرد و سهم لازم از درآمد ناخالص ملی را برای آموزش و تنبعات دانشگاهی و پژوهش تقاضا خواهد کرد.

تأکید می‌نماید که شورای هر یک از دانشگاهها جنبه یک واحد صنعتی

پرچم خونین دانشگاههای ایران در سالهای سیاه استبداد و اختناق همواره برافراشته و در اهتزاز بود. بادرود به پیشگامان شهید دانشگاهها: قنبرچی، بزرگ نیا و رضوی اسامی تنی چند از شهیدان دانشگاهی را در زیر می‌آورد:

رحیم سماعی (پلی تکنیک تهران) - مهدی اسحقی (دانشگاه شیراز) - همایون کثیرانی (دانشگاه شیراز) - مهرانوش ابراهیمی (دانشگاه پزشکی تهران) - عبدالحسین براقی (دانشگاه اقتصاد تهران) - شاهرخ هدایتی (دانشگاه کشاورزی کرج) - سیروس سپهری (دانشگاه کشاورزی کرج) - مجید احمدزاده (دانشگاه صنعتی) - علینقی ارش (دانشگاه فنی تهران) - عبدالکریم حاجیان (دانشگاه حقوق تهران) - حمید توکلی (دانشگاه مشهد) - سعید آریان (دانشگاه مشهد) - سعید صفار (دانشگاه مشهد) - سعید آنگینه‌ای (دانشگاه فنی تهران) - خلیل طباطبائی (دانشگاه صنعتی) - محمدرضا میرصادقی (دانشگاه اقتصاد) - حسین عالم زاده (دانشگاه علم و صنعت) - مهدی رضائی (دانشگاه بازرگانی) - اسداله بشردوست (دانشسرای عالی) - پوران یداللهی (دانشگاه فنی تهران) - بهروز عبدی (دانشگاه صنعتی) - فرح سپهری (دانشگاه فنی تهران) - شفیعها (دانشگاه شیراز) - حق شناس (دانشگاه شیراز) - محمدرضا احمدی (دانشگاه شیراز) - رضا صفائی (دانشگاه پزشکی تهران) - ضیاء الحق (دانشگاه فنی تهران) - هوشمند خامنه‌ای (دانشگاه اقتصاد) - فرهاد سپهری (دانشگاه فنی تهران) - حمید خلیلی (دانشگاه علم و صنعت) - خشایار سنجرى (دانشگاه علم و صنعت) - منصور فرشیدی (دانشگاه فنی تهران) - م. جعفر شجاع - ساداتم (دانشگاه صنعتی) - علی اکبر جعفری (دانشگاه اقتصاد تهران) - سیدمیرزا، جوان خوندل (دانشگاه بازرگانی) - کاظم ذوالانوار (دانشگاه کشاورزی)

- سیاسی را نیز خواهد داشت و می‌تواند در ارتقاء آگاهی سیاسی کادرهای دانشگاهی و اقدامات مربوط با آن گامهای مؤثر بردارد.

دانشگاههای ایران موظفند که در راه مردمی کردن امور و ایجاد فضای دموکراتیک در کشور، بعنوان یکی از تأسیسات ملی هر چه زودتر سبانه برگزاری انتخابات شورا و تعیین نمایندگان خود و همچنین تهیه اساسنامه مربوط اقدام نمایند

پیامی کوتاه به ...

بقیه از صفحه اول

ناگزیر شخصیت سندیکا در سطح یک طبقه کاسبار که بیش از منهای مسائلی که در اعماق جامعه مطرح است و قطع نظر از سیر تاریخی کشور و حدود و ثغور فکر و تعقل تنزل مییابد و در این حال ارزش کار نویسنده در زمینه کوچک و تنگ صنفی در همان مقیاس یک آهن فروش و قصاب مورد بحث و گفتگو و حمایت قرار میگیرد و در این محیط محدود و صغیر صنفی تعهدات و الزامات اجتماعی و معارف و معالم و طهارت قلم و حریت فکر و اندیشه مجال بروز و ظهور ندارد و در اینصورت معیاری که سندیکا بلحاظ جلب افکار عمومی و احترام و وقار و حیثیت و مقام اجتماعی باز مییابد معادل همان چیزی است که سایر سندیکاها فی المثل سندیکای رانندگان یا اتومبیل داران یافته است و زائد بر این نیز نه مستحق است و نه باز خواهد یافت.

دوستان محترم سندیکا بهتر از

من به تحولات تاریخ و کیفیت انقلابات و سیر و تطور و تکامل اجتماعات و مسئولیت عمیق و مؤثری که بر نهاد مطبوعات در ایجاد دگرگونی‌ها متوجه است آگاه میباشند و خوب میدانند که قلم در ذات خود یک وسیله است نه هدف زیرا قلم بجز یک قطعه چوب یا فلز آمیخته با مرکب چیز دیگری نیست آنچه بقلم وقار و شکوه و تفاخر و تمایز و روح می بخشد طهارت و نزاکت و ظرافتی است که از مغز و اندیشه بشر در جهت وصول بهدفعای اجتماعی - مبارزه باظلم و بیداد ایجاد عدالت و استقرار آزادی و نیک بختی منعکس میگردد و بهمین جهت در قرآن کریم، سوگند پروردگار در عظمت قلم براساس نوشته های آنست (نون والقلم

وما یسطرون - بقلم سوگند و آنچه مینویسند) - شرف و افتخار و تقدس انسان نیز در مایه و شیوه قلمی او پنهان است و تفاوت بشر از حیوان بلحاظ قلم است که میتواند لرزش های روح و دورنمای ضمیر و تعقل و تفکر آدمی را تجسم بخشد و در قلمرو آدم ها، آن انسان انسان تر است که محتوای نوشته هایش شریف تر و ظاهرتر و انسانی تر باشد. تفاوت دشتی با بهار و عشقی و تفاوت مسعودی و مصباح زاده با دکتر فاطمی و محمد مسعود و تفاوت امیرانی و کریم پوررا در سجایای قلمی آنان باید جستجو کرد لذا پاسداران حیثیت و شرافت قلم و نگهبانان حریت مطبوعات و آنهاست که گوهر هنر را در منجلاب استبداد آلوده نکرده اند و مصیبت های جامعه و خلق را احساس نموده و به رویدادهای تاریخ و جلال و جمال فرهنگ ملی توجه داشته قابل تعظیم و تکریمند نه نویسنده ای.

مگر فلسفه تشکیل سندیکای مطبوعات در زمان هویدا برای این نبود که از نویسندگان جرایدو مجلات حمایت نماید؟! و مگر اجزاء سندیکا کارگردانان روزنامه های کیهان - اطلاعات - پیغام امروز - آیندگان و مجله هانسی چون خواندنیها و غیره نبوده اند، مگر همین جراید و مجلات نبودند که نه کرسی فلک را زیر پای قزل ارسلان میگذاردند و در مدح و ثنای خاندان جلیل سلطنت و در ثنای دولت خدمتگزار! که در آزاء همان خدمات تیر باران شد مقالات و تفسیرات و ترجمه مینوشتند و برای جلادها و آدم کش ها و غارتگرها رجز و حماسه میسرودند؟! آیا ۲۴ صفحه اطلاعات و کیهان و رستاخیز در هر روز و ۹۶ صفحه خواندنیهارا مسعودی و مصباح زاده

و امیرانی سیاه میکردند؟ آیا این انبوه جرائد و رنگین نامه های بیست و پنج ساله استبداد که سیاه ترین و ننگین ترین و متعفن ترین سند خیانت شمرده میشود فقط وسیله عده ای محدود و معدود تهیه میشد؟! پاسخ مقدر شما اینست که اکثریت قریب باتفاق اضطرابا و برای امرار معاش حرفه نویسندگی را اختیار نموده و در عمل خود معذور بوده اند اما یک نویسنده بلحاظ روابط اجتماعی و تأثیری که قلم نقییا یا اثباتا در سعادت یا تیره بختی جامعه دارد حق دارد از طریق قلم آنها در هر جو و شرایط سیاسی و در هر منجلاب و در قبال مدح و ثنای هر رژیم و با همکاری هر روزنامه و جریده ارتزاق نماید؟ و آیا چنین نویسنده ای حق دارد با اعلام برائت در دامن مطبوعات انقلاب صاحب فکر و اندیشه

دوستان ارجمند! قلم یعنی جوهر شرف و گوهر طهارت کالا نیست متاع نیست که در هر رهگذر و هر دکان فروخته شود اگر بساط استبداد گسترده بود برای قداره کش ها و شش لول بندها و شکنجه گران رجزو مدیحه گفت و چون موج انقلاب سر رسید بت گذشته را شکست و چهره سرخ بخود گرفت و ماتیک انقلاب بر لب مالید و مارکسیست لنینیست از آب در آمد. اگر برای امرار معاش اضطرابا همکاری مطبوعات سیاه را بگردن گرفته اید عضویت لانه جاسوسی فراماسون و رهبری کارگران ایران نوین و ریاست ستاد خیری حزب رستاخیز و تصدی کمیته تحقیقات دربار و معاونت دبیر کل حزب مردم و سردبیری مهر ایران «ارگان حزب مردم» و هزاران مشاغل حزبی و مطبوعاتی و سیاسی دوران استبداد نیز اجباری و اضطرابی بود؟!!

بنابراین اگر قرار باشد کار ورق پاره ها و رنگین نامه های آن دوران دقیقاً رسیدگی گردد خیلی ها دامانشان آلوده و دهانشان ناپاک خواهد بود.

آقایان! بفسر بهره برداری نباشید و در تکاپو نیفتید این که دیدید موج اول انقلاب بود که از خون صدهزار انسان مایه گرفت، هنوز دریا آرام نیست و از ژرفنای آن لجه های طوفان می جوشد هنوز تضادهائیت است که اگر حل نشود باید امواج دیگر آن را حل نماید.

مردم میپرسند چرا ابوالفضل قاسمی نویسنده و محقق و مورخ که از سال ۲۳ تا کتون در کار تحقیق و مبارزه است و برادرش در همین برزخ شهادت رسیده بعلت فقر مالی امکان انتشار جبهه آزادی را نداشته باشد؟ چرا حبیب اله ذوالقدر شاعر و نویسنده که سالها بسبب جهاد و پیکار با ظلم و استبداد در حبس مانده است بهمان علت نتواند روزنامه شیبخون را منتشر کند اما سپید و سیاه و تهران مصور و امیدایران به محض تصمیم در انتشار موفق و کامیاب میشوند. و همین پرخاش با چه خون دلی بدون کمک همزم پایگاه مادی ندارد اینها تضادها و ناروائیهایست که از دیدگاه جامعه مخفی نمیماند اما اصالت انقلاب تنها این نیست که تضادها و ناکامیها و ناروائی ها را عریان سازد و تناقضات و مفاسد یا معایب را برشمرد و تاریکی ها را برهنه کند فضیلت و رسالت انقلاب در حل تضادها و نواقص و تناقضات اجتماعی است و اگر انقلاب امکان حل و فصل مصائب و تبعیض ها نیابد و قادر نشود مصیبت ها را برطرف سازد جریان عظیم تری بعنوان موج مکمل ناکامی را به کامیابی بدل خواهد نمود.

خون

بقیه از صفحه اول

حسن قوامی زاده اگر از یک نفر پزشک بپرسید خون چیست؟ اینقدر روده درازی میکند که سرتان را میبرد. میگوید «خون مایعی است که از دو قسمت متمایز تشکیل یافته اول لثف که مایع بیرونی لزجی است دوم گلبول مینامند و بر دو قسم اند گلبولهای سفید و گلبولهای قرمز...» اما مهتر نسیم که سعی میکند همه چیز را بسادگی و در خور معلومات خود بیان نماید عقیده دارد خون مایعی است قرمز رنگ که در بدن انسان و حیوان بمقدار زیاد موجود است و میتوان آن را مایه حیات نامید زیرا بدون این مایع زندگانی ممکن نیست لابد میبرسید پس بطور است که بعضی حیوانات که خون در بدن ندارند مهذا زنده اند البته چنین حیواناتی وجود دارند که ظاهراً خون در بدنشان نیست ولی در باطن صاحب خونند و علمای تاریخ طبیعی آن ها را حیوانات خون سرد مینامند من که دیده ام ولی میگویند در بین افراد بشر هم طایفه ای وجود دارند که بخون سردی معروف اند گویا در کتابی خوانده که در آن طرفهای دنیا جزیره ای است که همه افراد آن خون سردند. بعضی از افراد دیگر پیدا میشوند که گویا گلبولهای قرمز خونشان زیاد تر از سایرین است اینطایفه رازنگین خون مینامند ولی مثل دسته اول محل بخصوصی ندارند و در هر کشور و جمعیتی می توانید نمونه ای از آنها بیابید مثلاً در کشور خودمان هم عده ای از این موجودات یافت میشوند که بهترین نشانی آنها این است که در کاخهای مجلل و باشکوه پسر میبرند و همیشه اتومبیلهای لوکس در خانه های آنها ایستاده، دست خود را جز به گیلاس های کنیاک و ویسکی و ورقه های گنجه و اسن بسپاه و سفید نمیگذارند، دارای چهره ای گلگون و گوشتی و لب های سرخی هستند که خون از سر آنها میچکد، چون مطمئنند که عده ای مردم گرسنه و لخت و پابرهنه در گوشه و کنار هستند که برای آن ها جان بکنند خود در سایه خنک در آغوش لبتان سیمین تن آرمیده و با خیال راحت از دست ساقیان آتش دست جامهای بلورین را گرفته لاجرمه پسر می کشند، آری معروف است که این دسته خوشان از سایرین رنگین تر است.

در مشرق زمین چون اشعه آفتاب درخشانی و تابندگی مخصوصی دارد. در خون ها حرارتی ایجاد میکند و طایفه ای بوجود آمده اند که بخون گرمان معروف شده اند. اما چون خون در اندرون بدن در جریان است نمی توان میزان حرارت آن را سنجید و خون سردها را از خون گرمها جدا کرد مگر اینکه از عادت و اطوار دسته درجه حرارت خون آن ها را قضاوت کنیم. اکنون من یک مثال

میزنم و یقین دارم چون تمام اهل معرفتید می توانید با این مثال کوچک اشخاص خون گرم و خون سرد را از هم تمیز دهید. اگر در میان تمام ملل دنیا ملتی را یافتید که سه چهار سال متوالی همه چیز خود را نثار قدم یکمشت، مهمان ناخوانده سازد و در حالی که خود در زیر فشار گرسنگی جان میکند نان و آب و همه هستی خود را بدهان عده ای مردم از خود راضی بچیناند. قدمهای (۱) جانی را بر روی تخم چشم خود جای دهد و در جلو سگ پوزه پهن (۲) دست بسته بایستد، کمر خود را خم کند تا پل پیروزی را بوجود بیاورد. راههای شوسه و خطوط آهن و معادن گران بهای خود را در اختیار آن ها بگذارد چنین ملتی را علمای تاریخ طبیعی خون گرم مینامند.

و در مقابل اگر دیدید ملتیهائی پیدا شدند که مثل خر از گرده سایرین کار بکشند و دهان خود را پر باد کرده با آب و تاب تمام بگویند، میخواهیم آزادی و دموکراسی را در جهان اشاعه دهیم، میخواهیم اصل دیکتاتوری و قلدری را از جهان براندازیم ما می جنگیم که حق ملل ضعیف و دولت های کوچک از میان نرود اما همین که خرشان از پل پیروزی جست با کمال وقاحت و بیشرمی حتی نمایندگان آلبانی و لوکزامبورگ را در مجمع صلح دعوت کنند و اگر احياناً آن هائی که پل پیروزی را بوجود آورده و همه سنگینی و فشار جنگ جهانی را بر روی دوشهای فرسوده خود تحمل کرده اند از آن طرفها سفید شدند بگویند (سرزده داخل مشو میگذرد حمام نیست) چنین ملتیهائی را خون سرد میگویند. ببخشید من میخواستم راجع بماهیت خون بحث کنم نه کیفیت آن بدبختانه رشته سخن بجای حساسی کشیده شد. خون در عین حال که شرع

مسئولیت اتحادیه های کارگری در توله ...

تقلید نکنیم ولی پیاموزیم

بقیه از صفحه ۱

در این رابطه تاریخ معاصر بسیاری از ممالک در حال توسعه پند آموز خوبیست که بعضی اشتباهات آنان را تکرار نکنیم. چه هر اینه ناسامانی طویل المدت و مطرح شدن برنامه سیاسی واقع بینانه ای که همه پسند باشد موجب تجدید حیات استبداد چپ یا راست میشود. پس از سقوط رژیم زور و فساد فرصت تنفسی پیدا شده و گروههای مختلف مشغول شکل و ابراز وجود سیاسی هستند که کاملاً طبیعی و سالم است. منتهی آیا این گروههای تازه مسئولیتهای ملی را میشناسند؟ آیا خواهند توانست سننهای دموکراتیک را در خود پرورش بدهند؟

طبیعی است که در زیر فشار اختناق پهلوی هیچگونه فرصتی برای تولد، چه برسد به رشد و نمو اتحادیه های حرفه ای و سندیکاها نبود و حالا که فرصت مفتنم است و اوضاع برای تشکیل این گروهها مناسب امکان اشتباه در استفاده از قدرتی که انشا اله بزودی مایه چه های خود را نشان خواهد داد فراوان است - چه در مملکت ما سنت گفتگو و پیدا کردن راه میانه ای که عادلانه و عملی باشد سابقه چندانی ندارد. این حقیقت تلخی است که آگاهی هر چه سریعتر از آن احتمالاً از وقوع فاجعه تازه ای جلوگیری میکند.

ممالک دیگر دنیا نیز در شرایط خاص تاریخی اجتماعی خودشان پدیده های مشابهی را مشاهده کرده اند. مثلاً در آرژانتین، اروگوئه، برزیل و شیلی بعد از مبارزات ملی دولتهای همه پسند و رفورمیست بر سر کار آمدند ولی همه بدون استثنا کنترل اقتصادی را از دست دادند و در نتیجه جای خود را به دیکتاتوریهائی دادند که هنوز قدرت را در دست دارند و شاید خوش بینانه باشد اگر بگوئیم که اینها بتدریج جای خود را به گروههای واقع بین میانه رو میدهند اقلاً این تغییر شاید بدرازا بکنند. اگر تعمیم مجاز باشد، میتوان گفت که اغلب رژیمهای توده پسند و ملی نمیتوانند بسرعت به خوانسته های اقتصادی قسمت عمده جمعیت پاسخ مناسب بدهند - نتیجتاً اعتصابات که

قاعدتا در زیر رژیمهای همه پسند سرکوب میشوند، بیشتر و بیشتر شده و کار بانجا میکند که صاحب زوری وارد میدان شده و به بهانه (تا حدودی صحیح) باز گرداندن نظم برای مصالح ملی اختیار امور را بهتر در دست گرفته و همانطور که انتظار می رود ایدئولوژی اقتصاد بازار آزاد را برای مبارزه با اتحادیه های کارگری علم میکند و نتایج آنهم روشن است. شاید تکرار داستان شیلی در اینجا لازم نباشد (ولی برای اطلاع بعضی افراد باید گفت که بغیر از آمریکا، چین کمونیست هم، بهنگام حیات مانو، بعد از سقوط آئنده به شیلی کمک مالی آنهم بشکل ارز قابل تبدیل میکرد).

پند اینست که متاسفانه رهبران توده پسند مجبورند که چند قدم جلوتر از رادیکالها بپوند و ماحصل انکار اصول ابتدائی اقتصاد و توزیع غلط بعضی از منابع ملی بین مردم است که نتیجه آن جز شکست دولت نیست. آیا کسی از خود سوال کرده است که در مملکت نسبتاً خشک ما وعده آب رایگان چگونه عملی میشود؟ آیا برق رایگان از کدام محل تامین خواهد شد؟

حقیقت مسلم دیگر اینست که رژیم گذشته حداکثر ممکن از منابع مملکت را برای مصرف در اختیار میگذاشت. هر کسی میتواند این مسأله را با نگاهی به ترکیب تولید ملی و ترکیب واردات که حداکثر ممکن بود تأیید کند. حال اگر سیاست اقتصادی حضرات در جهت منافع ملی و توسعه اقتصادی صحیح نبود مسأله دیگری است و این را نمیکنند که میزان مصرف در سطح فوق العاده بالائی بوده و شاید یکی از اشتباهات ایشان بالا نگاهداشتن سطح انتظارات مصرفی بوده که البته در کلاف سر در گرم سیاست اقتصادی دوران فساد نقش سوپاپ اطمینان را داشته است. جالب اینکه پرفسور ان براون، استاد اقتصاد دانشگاه آکسفورد، با استفاده از آمار در آمد و مصرف ایران تابع مصرف تازه ای ساخته که براساس آن مردم با انتظار در آمد بیشتر قبل از حصول در آمد شروع بمصرف میکردند.

مقدس اسلام آن را نجس میدانند مایع مقدسی نیز هست. سالهای دراز سپری میشود قرن ها میگذرد و خون با جریان عادی خود در بدن ها دوران میکند اما گاهی اتفاق می افتد که همای سعادت بر سرکشوری سایه افکند و خون ریزی آغاز میشود مثل این که این سعادت در سال ۱۷۸۹ در فرانسه و اکبر ۱۹۱۷ در روسیه نصیب فرانسوی ها و روسها شد و علفهای هرزه و خود رونی که در آن جا ریشه دواینده بود در ونمود اکنون تا وقت باقی است بیائید دعا کنیم این مرغ فرخنده بال برسر این کشور هم سایه ای بیفکند و طبیعتی که شیفته و فریفته رنگ خون است افق تیره و تار این کشور ستمکشیده را هم لعلگون سازد بلکه ما هم بتوانیم عناصر ناپاک و آلوده را که با خیانتهای پی در پی از در این کشور بساط اقاتی و سروری خود را گسترده و با هر چیز ما بازی میکنند بکفر خود رسانیم..... از شماره ششم روزنامه پرخاش بتاریخ هفدهم مرداد ۱۳۲۵

نکاتی از مصاحبه آقای ایزدی

وزیر کشاورزی



مصاحبه ای داشتیم بی تکلف باوزیر کشاورزی اوکه باسرووضع خلی عادی در جلسه حضور یافت چون از کبکبه وزارت اثری نداشت اکثر حضار متوجه ورودش نشدند.

ایزدی گفت: در نظام اسلامی ما برخلاف اظهارات مقامات غیر مشول مالکیت وجود دارد و بهمین دلیل مصوبه ای برای جلوگیری از تجاوز باراضی به تصویب هیات دولت رساندیم.

* کسانی که خشخاش بدون اجازه کاشته اند میتوانند با ادارات کشاورزی مراجعه و بعقد قرار داد مبادرت کنند تا از امحاء کشت آنها خودداری شود.

* در صورتیکه مردم در خلع ید اشخاص در اراضی واگذاری منابع ملی شده راساً اقدام کنند اقدام انسانی دولت را بتاخیر میاندازند ما بزودی نسبت بهمه اراضی واگذاری رسیدگی دقیق خواهیم کرد و زمینهاییکه با اعمال نفوذ گرفته شده مسترد خواهیم داشت.

* شرکتهای زراعی اگر مورد قبول سهامداران نباشد منحل میشوند.

* قانون قطبهای کشاورزی درجهت رفاه مردم اصلاح میشود.

* ۷۶۰۰۰ هکتار زمین داریم که با آب کافی بمهندسان کشاورزی برای کشت و اگذار خواهیم کرد.

* سازمان وزارت کشاورزی راتا ۱۵ اردیبهشت تهیه ودر مشاغل تجدید نظر خواهیم کرد.

هم دردی با اتحادیه های دیگر متوجه کرد یا خیر. در این موارد تجربه بقیه ملل دنیا آموزنده است. ولی آیا یک چهار چوب قانونی مشکل ما را حل میکند؟ طبیعی است که پس از تشکیل اتحادیه های کارگری بین رهبران ایشان مسابقه ای در خواهد گرفت که هر کدام (اقلاً برای اینکه دوباره انتخاب شوند) برای اعضای خود مزایای بیشتری تقاضا کنند و از آنجائیکه نیروی کار و شرایط صنایع مختلف متفاوت است، مشکل این خواهد بود که چگونه از چنین مسابقه ای جلوگیری کرد. شاید بتوان چهار چوب قانونی برای این مشکلات پیدا کرد ولی آیا چنین قوانینی محترم شمرده خواهند شد؟ چه تضمینی برای تمکین اتحادیه ها به قانونهای کار هست؟ سوازی زور بجز آموزش واقع بینی، تشویق نهادهای دموکراتیک و مسئولیت در اتحادیه ها هیچ راه حلی بنظر نمیرسد و این یکی از مهمترین مسئولیتهای دولت آینده است که نه تنها برای بقای آن دولت لازم است بلکه برای بقای دموکراسی واجب خواهد بود.

سرمقاله
بقیه از صفحه اول

پایه را چون حلقه افتخار نه یکبار و دو بار بلکه چندین بار از رادیو و تلویزیون برگردن خود بیاویزید و مردم را نگران تر کنید و چرا باین بی سروسامانی خاتمه نمیدیدید و کارها را بر اول عادی بدست دولت نمی سپارید؟

بعقیده نگارنده ضرورت دارد که خیلی فوری حتی ظرف یک روز بیش از هزار نفر دیگر از این جنابان را بگلوله ببندید و انحلال دادگاههای انقلاب را اعلام کنید و پاسداران کمیته ها را باختیار دولت بگذارید تا با یک شیوه عاقلانه به ترمیم گذشته پردازد و آرامش را بعین بازگرداند. شیوه دادرسی شما مطلوب نیست و با شیوه های انقلابی هم مطابقت ندارد در کجای دنیا پس از انقلاب جانین را دو ماه در زندان نگاه میدارند و بالاخره با این شکل محاکمه میکنند و با چاپ عکسهای کثیف و آلوده شان افکار را بنفعشان تحریک میکنند. اگر انقلابی هستید انقلابی عمل کنید و اگر وضع عادیست همه کارها را بدولت بگذارید تا با محاکمات دنیاسند سزای آنان را در کنارشان بگذارند.

آقای مهندس بازرگان نیز باید بدانند که در بین همکاران ایشان کم نیستند کسانی که نه تنها قدرت خدمت در این شرایط بحرانی را ندارند و نه مرد میدان خدمت در روز سلامت و عافیتند اگر ایشان بحق و عقیدت دنباله رو و پیرو دکتر مصدق هستند باید هر چه زودتر در ترمیم کابینه خود اقدام کنند وزرای ضعیف و ناتوان را بخانه هایشان بازگردانند و برای کارهای بزرگ مرد کار دیده برگزینند ادامه وضع موجود بدون تعارف آینده مملکت و انقلاب را بخطر انداخته است و با تزلزلی که متأسفانه در کار افکار عمومی فراهم شده است هر صاحب نظری صدای پای دیکتاتور جدیدی را میشوند که در پس این بیسر و سامانی با آرایش کامل برای سرکوبی انقلاب بسوی مراکز انقلابی و ملی روان است اگر صدای پای دیکتاتور را میشنوید دولت را هر چه زودتر ترمیم کنید و همه کارها را بدستش بسپارید. چه اگر جز این کنید نسبت بخون جوانان ما بی التفاتی کرده اید و فردا ما و شما همه مبارزان یکبار دیگر بکفاره میهن پرستی در جلو جوخه آتش دیکتاتور جدیدی قرار خواهیم گرفت.

احمد انواری

نکند باز هم رفقا...

ماهرچه فکر کردیم نتوانستیم وجه ارتباطی میان این کارگران بیکار و دانشجوی پزشکی بیابیم. با آرزوی شادی روان برای این دانشجوی شهید در اندیشه هستیم که نکند باز هم رفقا! رویه تفرقه ای را که در حکومت ملی مصدق بکار می بستند دوباره تکرار کنند راستی نکند!

در خیرهای اصفهان آمده بود در اجتماع کارگران بیکار شرکتهای فلور پلی اکریل - که در مقابل استانداری منتهی به تیراندازی شد، و با کمال تأسف یکتفر شهادت رسید مقتول دانشجوی سال پنجم دانشکده پزشکی اصفهان بوده است.

اعدام جنایتکاران در اصفهان

واصل شدن این حیوانات را ببازماندگان شهدا و شکنجه شدگان شادباش میگویم و چشم براه اعدام همه آنهاست هستیم که جوانان برومند اصفهان و نجف آباد را بگلوله بستند و یا شکنجه کردند.

اعدام شهیدی کثیف و دو تن عنصر بد نام تر شکنجه گر در اصفهان چون مرحمی بر زخم داغدیدگان حوادث اصفهان مایه تشفی گردید ما بدرک

باغ نو کجاست

محل چهار راه صارمیه اصفهان قرار گرفته و پس از ظل السلطان منزل صارم الدوله پسرش و محل تحریکات ضد ملی و سپس در اختیار اصغر مسعود قرار گرفته توضیح بیشتر بموقع دیگر واگذار میشود.

آقای داریوش مالکی از اصفهان مینویسند باغ نو که در شماره اول بان اشاره کرده اید کجاست؟ برای اطلاع خوانندگان جوان توضیح میگردد که باغ نو مقر ظل السلطان پسر ناصر الدین شاه بوده است که اکنون در

در اصفهان کشاورزان بزودی بیکار میشوند

اطلاع واصله حاکی است که کشاورزی اصفهان بعلت نبودن کودشیمیائی کافی در معرض تلف قرار گرفته و اگر هر چه زودتر کود مورد نیاز کشاورزان فرستاده نشود کشاورزان نیز چون کارگران بیکار میشوند و در برابر استانداری جمع و حاصل آن نیز چون اجتماع کارگران کشته شدن خواهد بود ماز وزارت کشاورزی که میگوید ۳۶۰۰۰ کارمند در کاخ فرعون روحانی نشاند که شهزاد نفرشان زن و سکرتر هستند میخواهیم اقلا همت ارسال کود مورد نیاز اصفهان رداشته باشند.

درباره خبر مربوط بوزارت کشاورزی

این ممتاز آن ممتاز نیست

در شماره گذشته خبر مربوط بوزارت کشاورزی کمی مبهم شده بود که توضیح آن لازم آمد اولاً شخصی که در هتل شرایتون کار میکرد و سابق نامعقولی دازد آقای صارم اصلاتی داماد تیمسار هاشمی بوده است که حالا در نگاه توسعه ماشینهای کشاورزی کار میکند.

رئیس بهداری برق و ثروت کلان

آقای م - از برق تهران میپرستد رئیس بهداری برق تهران که از پادوهای ننگین منصور روحانی بود این ثروت افسانه ای را از کجا آورده و حالا کجاست و ارتباط و نظر شما در باره او چیست؟ باید توضیح بدهیم که این قبیل افراد کثیف هرگز با مردم با شرف ارتباط ندارند ثروت ایشان هم چون ثروت اربابان از غارت و قساد فراهم شده است.

پرخاش مشترک می پذیرد

تلفن ۷۶۳۱۶۴

لزوم کوچ کارگران فصلی بداهات

تولید تبدیل به ریال شده قابلیت جذب در بازارهای داخلی را پیدا میکند.

اکنون برای رسیدن باین امر مهم و حیاتی، ابتدا باید کشاورزی ورشکسته و روبروال را رونق بخشیده و از نو احیاء کرد چرا که هیچگاه یک کشور صنعتی بدون داشتن پشتوانه کشاورزی قادر به ادامه حیات نخواهد بود. برای نمونه انگلستان در قرن هفدهم ابتداء از یک سیستم کشاورزی بسیار غنی برخوردار بوده و بعداً به اتکای این کشاورزی بارور توانست به اولین کشور صنعتی دنیا تبدیل شود. برای رونق کشت و کار نخست باید روستاها بازسازی شوند و از حداقل زندگی مرفه بهره گیرند تا امکان جذب روستائیان مهاجر را داشته باشند. بنابراین در اولین گام باید به وضع بهداشت، فرهنگ و آبادانی روستاها رسیدگی شود و نیازهای اولیه آنها برآورده شود تا بتوان روستائیان مهاجر را دوباره بداهات کوچانید و تا زمانیکه کارگر فصلی پا بفرار شهرها (روستائیان سابق) به کشتزارها باز نگردد و به حرفه اصلی خود یعنی کشاورزی نپردازند به یقین سطح اشتغال در مملکت به درجه مطلوب از کارائی نخواهد رسید. در اجرای این منظور اساسی است که باید مشاغل شاهنشاهی شهری چون سیگار فروش و بلیط بخت آزمائی دکه های گوناگون کنار خیابان همگی ممنوع اعلام شوند چه با درآمد نامعقول این مشاغل که باسانی روزانه چند هزار ریال بجیب بیکاره ها سرازیر میکند نباید انتظار داشته باشیم که اینان با دستمزد معقول کار در روستاها بسازند و بمزارع برگردد منصور فرهمند

لزوم کوچ کارگران فصلی بداهات بنا بیک امار تقریبی حدود دو میلیون نفر کارگر در سراسر کشور بیکار هستند. تعداد بیشمار از این خیل بیکاران را کارگران موسمی ساختمان تشکیل میدهند. این عده کشاورزانی هستند که جامعه تولید روستائی را رها کرده به امید کسب در آمد بیشتر به شهرها هجوم آورده اند. اکنون که کارهای عمرانی و ساختمان از رونق افتاده و نبض جامعه سرمایه داری شهری از طپش باز ایستاده و فشار تورم روز افزون بشتاب سیر صعودی را می پیماید و تنش ناشی از صنایع مونتاژ چهره نموده است دولت باید در برنامه کوتاه مدت اقتصادی خود تجدید نظر کرده با یک حرکت انقلابی جامعه بی رویه مصرفی را نجات بخشد و کشور را بسوی یک جامعه تولیدی رهنمون گردد.

در حال حاضر تنها عایدات نفت است که چرخ لنگ اقتصاد را بگردش در میاورد یعنی نفت بعنوان سرمایه ملی در بازارهای جهانی بفروش میرسد و در برابر آن دلار دریافت میشود. چون دلار زمینه ای برای جذب در بازارهای داخلی ندارد بنابراین در بازارهای خارجی به مواد اولیه صنایع مونتاژ و یا مواد غذایی تبدیل شده به مملکت سرازیر میشود.

اما در یک سیستم اقتصادی سالم و سرپا، نفت بعنوان عامل سرمایه بکار گرفته میشود و عایدات حاصله از آن صرف خرید ابزار و ماشین آلات صنعتی و یا کشاورزی میگردد و پس از آنکه اینگونه صنایع مستقل و صاحب تکنولوژی ملی شد انگاه بازده

ظهیری سارق قهار و

پادوی منصور روحانی

طریق جزایر جنوب باماشین باری به پاریس گریخته است این طرار نمونه قبلا ثروت خودرابه خارج انتقال داده وزن و بچه رانیز در لندن اسکان داده است. به تصور اصلاح طلبانیکه در تعقیب این جنایتکار بوده اند محتمل است که این خانن تا انتشار این شماره به لندن رفته باشد.

محمد ظهیری تاراجگرو مجلس آرای بزیمهای شبانه منصور روحانی که سالیان دراز به نهب و چپاولگری با عنوان معاون وزارت آب و برق و استنادار بندرعباس خانانها بر باد داد تا ثروت نجومی اندوخت به قرار اطلاع به دور از چشم ماموران دولت انقلابی از

سلام به فرهنگیان کارگران بازاریان
همافران مشعلدار مبارز در اصفهان

پرخاش

دارنده و مدیر:

امیر آوار

نشانی: پیچ شمیران - کورش کبیر کوچه شقایق
پلاک ۲ تلفن ۷۶۳۱۶۴

تحت نظر شورای نویسندگان
شماره سوم دوره پیروزی
سی و سومین سال تاسیس
شماره مسلسل ۲۳۴
روزهای انتشار چهارشنبه هر هفته
بهای آگهی هر سطر ۳۰۰ ریال

گزارش از کار مطبوعات

سالاری شکنجه‌گر

ساواک کجاست؟

در دوران ترک‌سازی تیمسور بختیار و بعد از کودتای ۱۳۳۲ در یک پرونده سازی کیفیت که مبنای آن غرایز حیوانی بختیار بود برای چندمین بار پرونده پرخاش را بجزایر انداختند و دیوانه‌ای انسان نما بنام سروان سالاری مامور تعقیب اینکار شد این آدم نما مدیر و همه نویسندگان پرخاش را باطاق و توقع دستگیری او را داریم.

انتصابات خوب

تهران شد بمدریت عامل شرکت مخابرات منصوب شده است دکتر حسن نیلی ارام مرد خود ساخته‌ای که با دسترنج خود و کارنجاری هزینه تحصیلات عالی خود را فراهم کرد و تا اخذ دکتری الکترونیک از دانشگاههای آلمان نایل آمد و سپس استاد دانشگاه

عیب وی جمله بگفتی

سخنرانی آقای مهندس بازرگان بناسبت پایان فرادوم چون دیگر دفعات از دل بر خاسته بود بر دل نشست و با وجودیکه هر ناظر بیطرف بچشم جان میدید که نخست وزیر ملی دردها بر دل دارد ولی دندان مصلحت بر زبان حقیقت میفشارد ولی آنچه بیشتر توجه پویندگان راه حقیقت را جلب کرد شهادت اخلاقی نخست وزیر ملی ایران بود که بجای تخصیص افتخار لغو قرار داد کنسرسیوم بخود ب صراحت گفت دولت سابق هم همین نظر را داشت و دکتر بختیار قبلا تصمیم بر لغو قرار داد ننگین کنسر سیوم داشته است ما این شهادت اخلاقی نخست وزیر را میستائیم و امیدواریم همه همکاران ایشان و دیگر مقامات هم در هر مورد حقگر باشند و فقط در صدد تخصیص افتخارات بخود نباشند چه چیزی که بیش از همه بر دل میشیند حرف حق است و بس.

دزدان شاهنشاهی

کجا هستند؟

- ۱- دیلمقانی وردست روحانی و مدیر کل دخانیات
- ۲- مهندس شاهعلی معاون روحانی و مدیر عامل آب تهران
- ۳- مهندس حمید صالحی معاون همه فن حریف روحانی
- ۴- کهنکشان مردباشرف؟؟؟
- ۵- مهندس معقول اطاقدار روحانی
- ۶- مهندس محمودیان مدیر کل برق و راه آهن یار دیگر روحانی
- ۷- وکیل زاده رئیس سازمان جنگلبانی و مجلس آرای روحانی

در روزنامه ی هراالدتریبون در شماره ۲۶ مارس (۵ فروردین جاری) مقاله ای درباره ی قانون اساسی جدید ایران دیده شد که در ضمن آن مصاحبه ای با آقای قطب زاده را چاپ کرده است. قسمتی از آن مقاله چنین است:
آقای قطب زاده گفت: مهدی بازرگان نخست وزیر تا وقتی دولت جدید برقرار شود سرکار خواهد ماند و اضافه کرد مورد تردید است بازرگان که ۷۱ سال دارد داوطلب ریاست جمهوری شود چون او «خسته» است. آقای قطب زاده که ۴۱ سال دارد هفته ی گذشته اشاره کرده بود که خود او امایل است نامزد ریاست جمهوری شود و در صورتیکه ریاست جمهوری قدرت تام اجرایی داشته باشد...

درباره

نامزد

ریاست

جمهوری

سخن گویانه
هفته

بنابراین همه کسانی که در پست و مقام در شبکه سرتاسری فساد و تباهی شرکت داشته اند از نظر مردم محکوم برگ هستند و این حق مردم ایرانست که اضافه بر هویدا و امیران و وزیرانش همه جنایتکاران مخفی و آشکار رژیم را چنان معلوم سازند که اگر بازهم خدای ناکرده استعمار دیکتاتور جدیدی را بر تانک نشاند اینهمه نوگردست بسته و شکنجه گر کارآموده در اختیار نداشته باشد.

علی اصغر
بشیر فرهمند
مدیر کل
تبلیغات پیشوا



هفته گذشته برای اولین بار بدعوت آقای میناچی وزیر اطلاعات بشیر فرهمند پس از ۲۵ سال بخانه خود یعنی وزارت اطلاعات دعوت شده بود بشیر فرهمند در سمت مدیر کل تبلیغات و انتشارات پیشوا در روز ۲۸ مرداد مورد حمله اوپاش قرار گرفت که همه دوستان از زندگانی او مایوس شده بودند ولی خدا نخواست که این خدمتگزار راستین نهضت شاهدلا پیروزی مردم نباشد توجه وزارت اطلاعات در استفاده از تجارب بشیر فرهمند همه علاقمندان باصلاح مطبوعات را خوشنود ساخته است.

بقرار اطلاع جلاستی در بانک مرکزی برای تعیین طرحهای اسکاسهای جدید تشکیل و تا کون نقشهای زیر مورد قبول قرار گرفته است.

- ۱- مسجد شیخ لطف اله اصفهان ۲-
- مسجد کیود تبریز ۳- مسجد گوهر شاد
- مشهد ۴- بازار وکیل شیراز ۵- دروازه قرآن شیراز ۶- گاوهای بالدار آثار باستانی ۷- ساختمان مجلس شورایی ایران ۸- چنین در نظر است شیرو خورشید بدون تاج در متن اسکاسها گنجانده شود نویسندگان پرخاش از یکسو و آقای اسماعیل همدانچی پیشنهاد کرده اند که عکس پیشوای ملت ایران مصدق کبیر بر روی اولین اسکاسها نقش شود چه مبارزات این رهبر بزرگ بود که طلای سیاه (نفت) را ملی کرد و پشتوانه اسکاسهای ایران قرار داد.

راستی مقصود از این جلسات چیست؟

مگر نه اینست که وزارت اطلاعات باید بصورتی انقلابی مطبوعات را در خدمت انقلاب بگذارد پس چرا دست بدامان قلم بزدان شاهنشاهی شده است.

چطور میشود یکی از جرائم نخست وزیر کیفیت و معدوم هویدا ایجاد روزنامه ها و مجلات گوش بفرمان باشد و باز هم همان روزنامه ها با همان نام و همان سیره منتشر شوند و ما به آنها از گل نازک تر هم نگوئیم مگر برای انقلابی شدن کافی است که گروهی تبه قیای منقحی را بجسیند و مفتاح کار مطبوعات ملی شوند چرا وزارت اطلاعات یکبار دستور تعطیل این اوراق را صادر نمیکند؟

یاد یاران



مهندس حسینی حاج سید جوادی مهندس زیرک زاده سه تن از یاران صدیق پیشوا

بعبارت دیگر شاید آقایان اساتید نخواستند بدانشگاه برگردند و نه آماده تدریس باشند ولی وظیفه دانشگاه تهران است که احتراماتی که در خور این بزرگواران است در شأنشان ملحوظ دارد مراسم احترام و جشناسی بجای آورد نگاه اگر اینان نخواستند که کار را ادامه دهند صاحب اختیارند.
در اینجا بروح شادروان حاج سید جوادی وکیل شایسته قزوین درود میفرستیم که بدون آنکه دانشگاهی باشد در شمار اساتید دانشگاه مردم بود.
در خاتمه شمول این تقاضا را در حق همه اساتیدی که بدست مزدوران اخراج شده اند توقع داریم چه آنها که در گذشته دور بیکار شدند و چه آنها که در چند ساله اخیر چون دکتر سعید قاضی

اوراق خاطرات گذشته را ورق میزدیم و مدافعات مهندس بازرگان را در محاکمه محمد رضا شاه میخواندیم بیاد اساتید با شرف و ازاده دانشگاه افتادیم که با الفاء استقلال دانشگاه بجرم مخالفت با قرار داد کنسرسیوم وسیله رضا جعفری فراماسون و نوکر مارکدار بیگانه از دانشگاه اخراج شدند که همین آقای مهندس بازرگان هم جزء آنان بود.
اینگ که سنگر دانشگاه هم از دست نوکرانی چون عالیخانی - ناهوندی - قاسم معتمدی خارج شده چرا نباید حیثیت علمی و شرف مسجل اساتیدی چون حسینی - زیرک زاده - کمال - جناب و دیگران بانها تفویض بشود

طرح
اسکنا
سهای
جدید